

بررسی مقایسه‌ای شاخص توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران و مالزی

رضا شیرزادی^۱، محمد پورقریان^۲، جواد نور محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

چکیده:

توسعه انسانی یکی از نظریه‌های جدید در چارچوب مباحث و موضوعات توسعه تلقی می‌شود که طی سه دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه توسعه انسانی، برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق، هدف نهایی توسعه است. توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابد زیرا پیشبرد راهبرد توسعه انسانی به یک دولت فعال نیاز دارد. امروزه یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه کشورهای مختلف، گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه انسانی است. جمهوری اسلامی ایران و مالزی، دو کشور عمده یکی در منطقه خاورمیانه و دیگری در منطقه شرق آسیا به شمار می‌روند که هر یک دارای رتبه خاص خود از نظر سطح توسعه و توسعه انسانی می‌باشند. روش تحقیق در این مقاله، مقایسه‌ای از طریق بررسی وجوه افتراق و اشتراک شاخص توسعه انسانی در دو کشور می‌باشد. نوآوری تحقیق این است که تاکنون کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان به فارسی یا انگلیسی منتشر نشده است. هدف ما در این پژوهش، بررسی وضعیت این دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و نیز چرایی آن است. پژوهش حاضر درصدد است تا جایگاه توسعه انسانی ایران و مالزی را در گزارش اخیر این سازمان (۲۰۲۰)، ایران با کسب امتیاز ۸۳٪، رتبه ۷۰ را کسب کرده، و کشور مالزی با کسب امتیاز ۸۱٪، رتبه ۶۳ را به خود اختصاص داده است. با توجه به رتبه‌بندی این دو کشور این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تاثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ در این میان، جمعیت و درآمد ملی سرانه وجه تمایز و عوامل تاثیرگذار بر شاخص توسعه انسانی دو کشور را تشکیل می‌دهند.

واژگان اصلی: توسعه انسانی، امید به زندگی، آموزش، درآمد سرانه، ایران، مالزی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانش آموزخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

مقدمه و بیان مسئله

مسئله توسعه، توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن محققان و سیاستگذاران را به خود مشغول کرده، و روندی است همه‌جانبه و فراگیر در جهت بهبود شرایط زندگی و افزایش توانایی‌های اجتماعی برای پاسخ‌گویی به نیازهای معقول انسان در حدی که بتواند به تداوم و تعاون منجر شود. تا مدت‌ها راه ارزیابی توسعه‌یافتگی کشورهای مختلف جهان رجوع به شاخص‌های درآمد سرانه بود، اما با انتقادهایی که به این شاخص وارد شد، صاحب نظران اجتماعی اقتصادی معطوف به شاخص توسعه انسانی شدند که شاخص ترکیبی است که از سال ۱۹۹۰ توسط سازمان برنامه توسعه ملل متحد جهت بررسی وضعیت کشورهای مختلف از حیث توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص توسعه انسانی از جامعیت بیشتری نسبت به سایر رویکردهای توسعه برخوردار است و شناخت عوامل موثر بر آن و مطالعه چگونگی اثرگذاری آنها حائز اهمیت است. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که وضعیت دو کشور ایران (به عنوان یکی از کشورهای برتر در منطقه خاورمیانه)، و مالزی (به عنوان یکی از کشورهای موفق و توسعه‌یافته آسیایی)، در خور توجه و تحلیل خواهد بود و می‌تواند دارای اهمیت و درس‌های لازم به ویژه برای ایران باشد. روش تحقیق در این مقاله، مقایسه‌ای از طریق بررسی وجوه افتراق و اشتراک شاخص توسعه انسانی در دو کشور می‌باشد. نوآوری تحقیق این است که تاکنون کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان به فارسی یا انگلیسی منتشر نشده است. پژوهش حاضر درصدد است تا توسعه انسانی ایران و مالزی را به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهد.

در گزارش اخیر توسعه انسانی، ایران با کسب امتیاز ۷۸۳، رتبه ۷۰ را کسب کرده، و کشور مالزی با کسب امتیاز ۸۱۰، رتبه ۶۳ را به خود اختصاص داده است. با توجه به رتبه‌بندی دو کشور، این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تأثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ فرضیه مقاله در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر عبارت است از: از نظر شاخص‌های توسعه انسانی دو کشور ایران و مالزی در آخرین گزارش توسعه انسانی (۲۰۲۰)، ایران در رده توسعه انسانی بالا، و مالزی در رده بسیار بالا قرار دارد، همچنین ایران دارای رتبه ۷۰ و مالزی رتبه ۶۳ را به خود اختصاص داده است که وجه تمایز آنها در شاخص‌های جمعیت و درآمد ملی سرانه است که در تفاوت رتبه دو کشور تأثیر گذاشته است.

۱- توسعه و توسعه انسانی

آنچه امروزه به عنوان توسعه تلقی می‌شود، نخست از دهه‌ی ۱۹۴۰، در حوزه‌ی علوم اقتصادی مطرح شد. به مرور این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت. بنابراین، اولین گروهی که به مطالعه‌ی منظم مفهوم و فرآیند توسعه پرداختند، از میان اقتصاددانان برخاستند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. اکنون همگان به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱۰۱). بنابراین، تعاریف جدید توسعه دارای وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر می‌باشند و توسعه را در جامعیت آن مورد بررسی قرار می‌دهند (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۵۳-۴۳۵). در دهه‌ی ۱۹۹۰ نظریه‌ی توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفت و گزارش‌های ملی و بین‌المللی در خصوص آن تهیه و تدوین گردید.

۲- دولت و توسعه انسانی

توسعه به کارگزاری یک نظام بازار آزاد محقق شد که در درون دولت-ملی^۱ و بازارهای یکپارچه شده توسط دولت مطلقه قرن‌های شانزدهم و هفدهم، دستیابی به حداکثر سود برای شرکت‌های خصوصی و تحقق حداکثر منافع ملی برای مردمان کشور را مد نظر قرار داده بود. دولت در این جوامع، اگرچه با سیاست‌های خود، کسب سود برای بخش خصوصی را تسهیل کرده، و روند توسعه کشور را تقویت می‌کرد، اما در تحلیل نهایی، این بازار بود که نقش کارگزار توسعه را برعهده داشت. از سوی دیگر، در جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه که نتوانسته بودند سیر تکامل تاریخی خود را به صورت طبیعی طی کنند، لاجرم، امر توسعه به کارگزاری نیرویی انجام گرفت که سازمان‌یافته‌ترین و متشکل‌ترین بخش از جامعه یعنی دولت محسوب می‌شود. این دولت است که با دخالت و هدایت مستقیم خود، این فرآیند را به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده، به انجام می‌رساند. دولت به دلیل برخورداری از انسجام قابل توجه و سازمان‌های تشکیلاتی متعدد و منظم، بهترین هدایت‌گر این جوامع در مسیر توسعه‌یافتگی محسوب شده، و کارگزار توسعه در جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه قلمداد می‌شود. دولت توسعه‌گرا، از همه ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه، گروه‌ها و سازمان‌های فعال و دارای تمایل و توان به

¹. nation - state

نقش آفرینی و نوآوری در عرصه‌های مختلف جامعه، در جهت تحقق زندگی بهتر و رفاه و امنیت بیشتر برای تمام مردم استفاده، و تمام منابع موجود در جامعه را برای تحقق امر توسعه بسیج می‌کند (لفت‌ویچ، ۱۳۸۴: ۲۲۷-۲۰۵). به این ترتیب، دولت از طریق ابزارهای خود، امر توسعه را پیگیری و محقق می‌کند. این ابزارها، علی‌رغم وجود اشتراکات فراوان در میان کشورها، برحسب نوع نگرش نخبگان، فرهنگ سیاسی حاکم بر کشور و جریان رویدادهای پیش آمده در مرحله قبل از ظهور دولت توسعه‌گرا، برای هر کشور تا حدودی متفاوت است (K.E.Davis, 2008: 133).

۳- پیش‌نیازهای توسعه‌ی انسانی

همچنان که اشاره شد، توسعه یک فرآیند چند بعدی است که شامل تغییرات در رفتار افراد، ساختار اجتماعی، نگرش عمومی و نهادهای ملی است. در واقع، توسعه، سازمان‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. اهداف پذیرفته شده‌ی استراتژی یا سیاست توسعه عبارتند از: رشد، عدالت و کاهش فقر اقتصادی، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی. توسعه مستلزم بهبود کیفیت زندگی همه‌ی انسان‌ها و بهبود سطح زندگی فقرا، بیسوادان و افراد دچار سوء تغذیه، است. توسعه‌ی موفق، هم به تعادل نیروهای بازار نیاز دارد و هم به زیرکی و عدالتی که از مداخله‌ی دولت در بخش‌هایی که نیروهای بازار به پیامدهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی منجر شده‌اند. توسعه‌ی انسانی رویکردی جامع است که به برطرف کردن عوامل عمده‌ی ضد آزادی، فقر و ظلم، فرصت‌های اقتصادی ضعیف از جمله محرومیت‌های اجتماعی و غفلت از ارائه‌ی تسهیلات عمومی، می‌انجامد (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). وجوه توسعه‌ی انسانی عبارتند از: یک وجه مربوط به ایجاد قابلیت‌های انسانی همچون بهبود در سلامت، دانش و مهارت؛ و وجه دیگر به استفاده افراد از قابلیت‌های کسب شده‌شان برای فرصت‌ها و اهداف سودمندی همچون فعال بودن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. آزادی بیشتر و رشد قابلیت‌ها باعث عملکرد اقتصادی بیشتر می‌شود و توسعه‌ی انسانی در رشد اقتصادی نقش مؤثرتری دارد. از طرف دیگر، افزایش درآمدها، دایره‌ی انتخاب خانوارها و دولت و قابلیت آنها را افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی باعث افزایش سطح توسعه‌ی انسانی می‌گردد.

۴- نظریه توسعه‌ی انسانی

همچنان که اشاره کردیم، نظریه توسعه انسانی یک نظریه جدید، و ارائه شده برای اولین بار توسط کیت گرین، تری مک‌کنلی و محبوب‌الحق است. از دیدگاه آنان، هدف اصلی توسعه، بهره‌رسانی به انسان به معنای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم می‌باشد. افزایش درآمد و توسعه‌ی اشتغال، ضروری است اما این دو، وسیله‌ی توسعه‌اند و نه هدف آن. هدف توسعه، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکان‌های اوست. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق در محیط زیستی غنی و در جامعه‌ی مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. رشد اقتصادی و زندگی انسانی، همراه با یکدیگر، مفهوم توسعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند (شیرزادی، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

اگرچه رشد درآمد و گسترش اشتغال به عنوان وسیله‌ی ضروری توسعه‌اند، اما هدف نهایی توسعه، پرورش توانایی‌ها و استعداد‌های انسان و گسترش دامنه‌ی امکان‌های اوست. برخی کشورها دارای درآمدهای بالایی هستند اما از نظر توسعه‌ی انسانی در سطوح پایین‌تر قرار دارند. سطح درآمد ملی، بی‌توجه به نحوه‌ی توزیع و مصرف آن، به خودی خود رضایت و رشد واقعی انسان را تأمین و تضمین نمی‌کند و هیچ بستگی قطعی و همیشگی میان رشد اقتصادی و پیشرفت انسانی وجود ندارد. استراتژی توسعه‌ی انسانی، انسان‌مدار است نه کالا‌مدار یا تولید‌مدار. توسعه‌ی انسانی همه‌ی انواع سرمایه‌های مادی، طبیعی و انسانی را مورد توجه و بهره‌برداری درست قرار می‌دهد و از تحلیل رفتن آنها جلوگیری می‌کند.

در هر حال، برخورداری عادلانه‌ی افراد از ثروت و درآمد جامعه شرط است و همچنین برخورداری از مجال‌های برابر آموزشی و امکانات بهداشتی، درمانی، کار و اشتغال. دستاوردهای توسعه‌ی انسانی همچون طول عمر، سلامت، دانش و مهارت از منابع سرمایه‌ای حاصل می‌شود که سه بخش است: منابع سرمایه‌ی طبیعی، منابع سرمایه‌ی مادی و منابع سرمایه‌ی انسانی. اقتصاد توسعه تاکنون بیش از هر چیز به افزایش سرمایه‌ی مادی توجه داشته، و سرمایه‌گذاری یا تجمع سرمایه‌ی مادی را برای مدتی دراز، موتور رشد و توسعه دانسته است. اما در فرآیند توسعه‌ی انسانی، سرمایه‌ی انسانی یعنی مجموعه‌ی دانش‌ها، مهارت‌ها، تجربه‌ها، توانایی‌ها و قدرت نوآوری انسان، نقشی کلیدی دارد (خواجه پور، ۱۳۷۶: ۵۰).

اولین گزارش توسعه‌ی انسانی در سال ۱۹۹۰ با شعار «مردم ثروت واقعی کشورها می‌باشند»، منتشر شد که حاکی از تغییر رویکردها نسبت به امر توسعه و توجه به سرمایه‌ی انسانی بود (امیری،

۱۳۹۰: ۱۳۱). از این رو، مفهوم توسعه‌ی انسانی، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد. بنابراین هدف توسعه‌ی انسانی، دست یافتن انسان به چنان توانایی در خوری است که برای آن، نمودهایی متصور است، از جمله: رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی برای خرید غذا، لباس و مسکن و مشارکت در تصمیم‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۱).

با توجه به چارچوب نظریه توسعه انسانی، رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی‌سوادی و محرومیت از جمله راه‌های گسترش قابلیت‌ها و انتخاب‌های انسانی می‌باشند و به همین دلیل در سنجش توسعه‌ی انسانی بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است. این تعریفی انسان‌دوستانه از توسعه است. امید به زندگی، آموزش و درآمد واقعی همگی از عوامل اساسی افزایش دهنده‌ی قدرت انتخاب انسان‌ها می‌باشند. طول عمر بیشتر به عنوان معیار امید به زندگی، علاوه بر آن که نشان‌دهنده‌ی تغذیه‌ی مناسب‌تر و برخورداری از امکانات بهداشتی است، فرصت بیشتری را برای زندگی و انتخاب به انسان‌ها می‌دهد. آموزش نیز قدرت تصمیم‌گیری و قدرت استفاده از فرصت‌های بهتر را برای مردم به ارمغان می‌آورد. در نهایت تأثیر افزایش درآمد واقعی در گسترش انتخاب‌های آزادانه‌ی افراد و بهره‌برداری از منابع مادی بر هیچ کس پوشیده نیست (سینا، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۹). استراتژی‌های توسعه‌ی انسانی به استفاده و بهره‌برداری عمیق از دانش و تجربه محلی گرایش دارند و دولت‌هایی که چنین استراتژی‌هایی را می‌پذیرند، احتمالاً وقتی موفق‌تر خواهند بود که اداره‌های دولتی، رابطه‌ی محکمی با عامه مردم داشته باشند. این موضوع ایجاب می‌کند که مردم پیرامون نهادهای ملی سازماندهی شوند تا بتوانند در تنظیم و اجرای برنامه‌های توسعه فعالانه مشارکت کنند. از این رو توسعه انسانی باید بر پایه‌ی یک جامعه مدنی نیرومند نیز متکی باشد و شمار زیادی سازمان‌های غیردولتی، امکان اظهار نظر و اقدام را برای مردم فراهم کنند (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۵: ۲۵-۲۲).

به نظر ایوانز، وجود دیوان‌سالاری اقتصادی توانمند و منسجم، یکی از ویژگی‌های ساختاری و کلیدی دولت توسعه‌گراست. دیوان‌سالاری توانمند نیز مبتنی بر شایسته‌سالاری و اداری است که در درازمدت همانند بخش خصوصی کارآمداند. این شاخص‌ها نه تنها در شرق آسیا، بلکه در گستره‌ی وسیعی از کشورهای رو به توسعه، رشد اقتصادی سریع‌تری را در پی داشته است

(Evans, 1999: 748-765). از نظر ایوانز، از جمله وظایف کلاسیک دولت، جنگ و تضمین نظام بود اما در جهان معاصر، تقویت تحول اقتصادی و تضمین حداقل رفاه نیز به وظایف دولت افزوده شده است و از آنجا که بقای سیاسی و آرامش داخلی اغلب بر حسب اصلاحات اقتصادی بیان می‌شوند، دولت‌ها مسئولیت تحوّل اقتصادی را نیز بر عهده گرفته‌اند. به هر ترتیب، دخالت دولت در اقتصاد دو وجه دارد: یکی انباشت سرمایه و رشد اقتصادی، دیگری رفاه اجتماعی (ایوانز، ۱۳۸۰: ۳۶-۴۰). در این چارچوب، استراتژی توسعه‌ی انسانی به دولت فعال نیاز دارد که این دولت اولاً با مداخله‌ی خود، سمت و سوی تولیدات و فرآیندهای تولیدی را که متمرکز بر استفاده از سرمایه‌ی طبیعی هستند، تغییر دهد. اگر بازار را به حال خود رها کنیم، هیچ توجهی به بسیاری از فعالیت‌های پرهزینه‌ای که به محیط زیست آسیب می‌رسانند، نخواهد داشت. ثانیاً دولت در شکل‌گیری سرمایه‌ی انسانی مداخله کند. ثالثاً دولت عهده‌دار سرمایه‌گذاری‌های عام‌المنفعه از جمله تأمین هزینه برای تحقیق و توسعه، آموزش و کارآموزی، بهداشت و تغذیه، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی همچون حمل و نقل، انرژی و ساختارهای شهری شود. در دراز مدت، استراتژی توسعه‌ی انسانی همراه با کاهش تدریجی و قطعی نقش دولت است و برخی کارکردهای دولت به تدریج به نهادهای جامعه‌ی مدنی واگذار می‌شود (شیرزادی، ۱۳۹۹: ۱۴۵).

۵- گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۲۰

نهاد برنامه توسعه ملل متحد از جمله کارگزاری‌های سازمان ملل متحد هر ساله گزارشی را درباره توسعه انسانی کشورهای جهان منتشر می‌کند. این گزارش وضعیت شاخص‌های مربوط به توسعه انسانی را در ۱۸۹ کشور جهان بررسی می‌کند. در گزارش این سازمان، کشورهای جهان از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه تقسیم بندی شده‌اند که عبارتند از: کشورهای دارای توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کشورهای دارای توسعه انسانی پایین. در گزارش جدید سازمان ملل، ۶۶ کشور در گروه نخست قرار گرفته‌اند، یعنی دارای توسعه انسانی بسیار بالا هستند و ایران با آخرین کشور در این گروه تنها ۵ پله فاصله دارد. بر اساس این گزارش، توسعه انسانی ایران از ۱۱۸ کشور جهان بیشتر است. برخی از این کشورها عبارتند از: مکزیک، کوبا، اوکراین، تایلند، چین، لبنان، اردن، آفریقای جنوبی، مصر، عراق و هند. برخی کشورها که رتبه بیشتری از ایران دارند، عبارتند از: آلمان، آمریکا، سوئد،

انگلیس، ژاپن، فرانسه، امارات، عربستان، ترکیه و کویت. بالاترین‌های توسعه انسانی در جهان به ترتیب عبارتند از: نروژ، ایرلند، سوئیس، هنگ‌کنگ، ایسلند. و بدترین‌های توسعه انسانی در جهان به ترتیب عبارتند از: نیجر، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، سودان جنوبی، برون‌دی (<https://www.isna.ir/news/99092619960>).

۶- شاخص توسعه انسانی

برای سنجش میزان توسعه‌ی انسانی هر کشور، از شاخص توسعه‌ی انسانی (*Human Development Index: HDI*) استفاده می‌شود. شاخص توسعه‌ی انسانی یک شاخص ترکیبی است که سه بُعد اساسی زندگی، یعنی دسترسی به امکانات لازم برای کسب دانش، برخورداری از عمر طولانی و زندگی سالم، و رسیدن به سطح استاندارد زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص، همه ساله از سوی برنامه‌ی توسعه سازمان ملل متحد (*UNDP*) منتشر شده، به مرور زمان مورد جرح و تعدیل قرار گرفته، و اینک به عنوان یک شاخص مقبول بین‌المللی برای سنجش سطح توسعه‌ی جوامع مورد استفاده است. بنابراین به طور خلاصه شاخص توسعه‌ی انسانی سه بُعد از زندگی را دربر می‌گیرد: زندگی طولانی و سالم، دانش، و سطح استاندارد زندگی. طول عمر دربرگیرنده امید به زندگی در بدو تولد و نرخ زنده ماندن نوزادان است. دانش، باسوادی بزرگسالان، نرخ ناخالص ثبت نام، نرخ ثبت نام دختران و تعداد دانشمندان و متخصصان تحقیق و توسعه را شامل می‌شود، و سطح زندگی نیز درآمد سرانه، نیروی کار به عنوان درصدی از جمعیت و تعداد جمعیتی را که به آب سالم دسترسی دارند، شامل می‌شود.

۷- ایران: ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی

برای سال ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران $۰/۷۸۳$ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی بالا یعنی در رتبه ۷۰ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران از $۰/۵۶۵$ به $۰/۷۸۳$ افزایش یافته، که افزایشی $۳۸/۶$ درصدی داشته است. جدول ۱ پیشرفت ایران را در هریک از شاخص‌های توسعه انسانی نشان می‌دهد و حکایت از پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی کشور دارد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در ایران تا $۱۲/۸$ سال، میانگین سال‌های تحصیل تا $۶/۱$ سال، و سال‌های

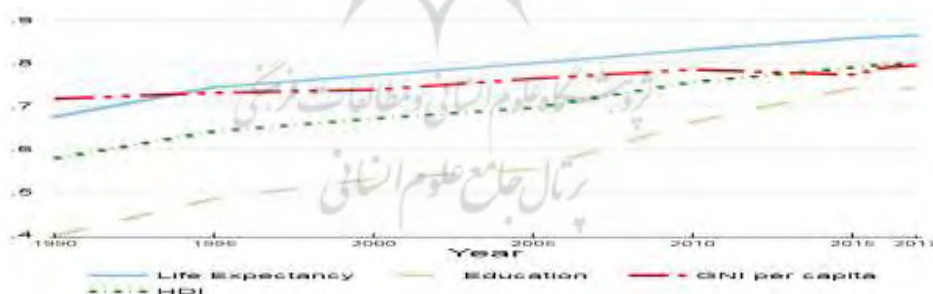
مورد انتظار تحصیل تا ۵/۶ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه نیز تا حدود ۴۳/۵ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

جدول ۱. شاخص‌های توسعه انسانی در ایران

سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای مورد انتظار تحصیل	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۷)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۶۳/۸	۹/۲	۴/۲	۸۶۷۳	۰/۵۶۵
۱۹۹۵	۶۸/۴	۱۱/۱	۵/۳	۹۴۱۲	۰/۶۲۷
۲۰۰۰	۷۰/۲	۱۱/۶	۶/۲	۱۰۰۷۱	۰/۶۵۸
۲۰۰۵	۷۱/۹	۱۱/۴	۷	۱۱۹۸۲	۰/۶۸۳
۲۰۱۰	۷۳/۹	۱۳/۱	۹	۱۳۸۱۳	۰/۷۴۲
۲۰۱۵	۷۵/۸	۱۴/۷	۹/۹	۱۲۷۳۰	۰/۷۷۴
۲۰۱۶	۷۶	۱۴/۹	۱۰	۱۴۲۴۶	۰/۷۸۴
۲۰۱۷	۷۶/۳	۱۴/۹	۱۰	۱۴۵۶۳	۰/۷۸۸
۲۰۱۸	۷۶/۵	۱۴/۸	۱۰/۱	۱۳۶۱۷	۰/۷۸۵
۲۰۱۹	۷۶/۷	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷	۰/۷۸۳

Human Development Report, 2020: 212.

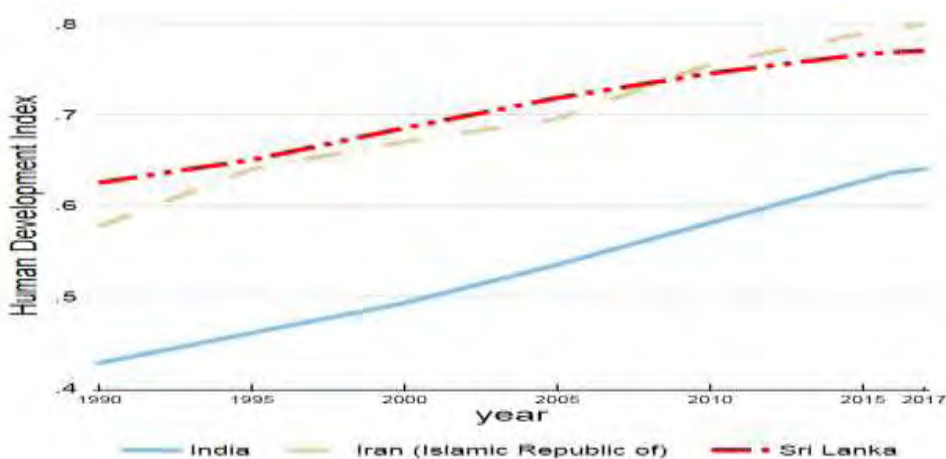
نمودار ۱. روندهای مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در ایران ۲۰۱۷-۱۹۹۰



Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

نمودار ۱ روندهای سهم هر یک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی ایران در ایران را طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۰ را نشان می‌دهد. پیشرفت طولانی مدت ایران می‌تواند با دیگر کشورها مقایسه شود. برای نمونه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ ایران، سری لانکا و هند میزان متفاوتی از پیشرفت را تجربه کردند. (نمودار ۲).

نمودار ۲. روندهای شاخص توسعه انسانی ایران، سری لانکا و هند ۱۹۹۰-۲۰۱۷



Human Development Report, 2015(Briefing Note for Countries): 4.

شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳، یعنی بالای میانگین ۰/۷۵۳ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بالا، و بالای میانگین ۰/۶۴۱ برای کشورهای آسیای جنوبی است. از آسیای جنوبی کشورهایی که نزدیک به ایران در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، بنگلادش و پاکستان می‌باشند که رتبه‌بندی شاخص‌ها را با رتبه ۱۳۳ و ۱۵۴ دارا می‌باشند(جدول ۲).

جدول ۲. مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی در ایران با برخی کشورها(۲۰۱۹)

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال‌های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال‌های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برای قدرت خرید دلار)
ایران	۰/۷۸۳	۷۰	۷۶/۲	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷
بنگلادش	۰/۶۳۲	۱۳۳	۷۲/۶	۱۱/۶	۶/۲	۴۹۷۶
پاکستان	۰/۵۵۷	۱۵۴	۶۷/۳	۸/۳	۵/۲	۵۰۰۵
آسیای جنوبی	۰/۶۴۱	-	۶۹/۹	۱۱/۷	۶/۵	۶۵۳۲
کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا	۰/۷۵۳	-	۷۵/۳	۱۴	۸/۴	۱۴۲۵۵

Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 5.

شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ است. به هر جهت، وقتی ارزش شاخص توسعه انسانی برای نابرابری کاهش می‌یابد، شاخص توسعه انسانی به ۰/۶۹۳ سقوط می‌کند که ۱۱/۵ درصد مربوط به نابرابری در توزیع شاخص‌های ابعاد سه‌گانه شاخص توسعه انسانی است. بنگلادش و پاکستان به ترتیب افت ۲۴/۴ درصدی و ۳۱/۱ درصدی را به دلیل نابرابری نشان می‌دهند. میانگین کاهش به دلیل نابرابری برای کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا، ۱۷/۹ درصد و برای کشورهای آسیای جنوبی، ۲۵/۹ درصد است. ضریب نابرابر انسانی برای ایران به میزان ۱۱/۳ درصد است.

جدول ۳. نابرابری توسعه انسانی در ایران با دیگر کشورها

کشورها	ارزش شاخص نابرابری توسعه انسانی	درصد کلی از دست رفته	ضریب نابرابری انسانی	درصد نابرابری در امید به زندگی در بدو تولد	درصد نابرابری در آموزش	درصد نابرابری در درآمد
ایران	۰/۶۹۳	۱۱/۵	۱۱/۳	۹/۲	۵	۱۹/۷
بنگلادش	۰/۴۷۸	۲۴/۴	۲۳/۷	۱۷/۳	۳۷/۳	۱۶/۶
پاکستان	۰/۳۸۴	۳۱/۱	۳۰/۲	۲۹/۹	۴۳/۵	۱۷/۲
آسیای جنوبی	۰/۴۷۵	۲۵/۹	۲۵/۴	۲۰/۲	۳۷/۵	۱۸/۵
کشورهای با توسعه انسانی بالا	۰/۶۱۸	۱۷/۹	۱۷/۶	۱۰/۱	۱۴/۵	۲۸

Human Development Report, 2020: 216.

ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان ایران ۰/۷۰۹ در مقایسه با ۰/۸۱۹ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۸۶۶ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بنگلادش و پاکستان به ترتیب ۰/۹۰۴ و ۰/۷۴۵ هستند (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص توسعه جنسیت در ایران و دیگر کشورها

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال‌های مورد انتظار تحصیل		میانگین سالهای تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
ایران	۷۷/۹	۷۵/۶	۱۴/۶	۱۵	۱۰/۳	۱۰/۴	۴۰۸۴	۲۰۶۳۷	۰/۷۰۹	۰/۸۱۹	۰/۸۶۶

۰/۹۰۴	۰/۶۶۰	۰/۵۹۶	۷۰۳۱	۲۸۷۳	۶/۹	۵/۷	۱۱/۲	۱۲	۷۰/۹	۷۴/۶	بنگلادش
۰/۷۴۵	۰/۶۱۲	۰/۴۵۶	۸۴۱۲	۱۳۹۳	۶/۳	۳/۸	۸/۹	۷/۶	۶۶/۳	۶۸/۳	پاکستان
۰/۸۲۴	۰/۶۹۲	۰/۵۷۰	۱۰۴۱۶	۲۳۹۳	۸/۴	۵/۵	۱۱/۵	۱۱/۹	۶۸/۷	۷۱/۳	آسیای جنوبی
۰/۹۶۱	۰/۸۶۶	۰/۸۳۶	۱۷۹۱۲	۱۰۵۲ ۹	۸/۷	۸/۲	۱۳/۹	۱۴/۱	۷۲/۸	۷۸	کشورها با توسعه انسانی بالا

Human Development Report, 2020: 220.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی ایران، ۰/۴۵۹ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۱۱۳ می‌باشد. در ایران ۵/۹ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۶۷/۴ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۲/۸ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰ هزار تولد زنده، ۱۶ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۴۰/۶ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۱۷/۵ درصد در مقایسه با ۷۱/۵ درصد مردان است. بنگلادش و پاکستان در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۳۳ و ۱۳۵ قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵. نابرابری جنسیتی در ایران و دیگر کشورها (۲۰۱۹)

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی‌های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
ایران	۰/۴۵۹	۱۱۳	۱۶	۴۰/۶	۵/۹	۶۷/۴	۷۲/۸	۱۷/۵	۷۱/۵
بنگلادش	۰/۵۳۷	۱۳۳	۱۷۳	۸۳	۲۰/۶	۳۹/۸	۴۷/۵	۳۶/۳	۸۱/۴
پاکستان	۰/۵۳۸	۱۳۵	۱۴۰	۳۸/۸	۲۰	۲۷/۶	۴۵/۷	۲۱/۹	۸۱/۷
آسیای جنوبی	۰/۵۰۵	-	۱۴۸/۶	۲۶	۱۷/۵	۳۱/۳	۴۸/۴	۲۳/۲	۷۷
کشورها با توسعه انسانی بالا	۰/۳۴۰	-	۶۲/۳	۳۳/۶	۲۴/۵	۶۹/۸	۷۵/۱	۵۴/۲	۷۵/۴

Human Development Report, 2020: 224.

۸- مالزی: ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی

ارزش شاخص توسعه انسانی کشور مالزی برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۱۰ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۶۲ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. این رتبه به طور مشترک با کاستاریکا است. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی مالزی از ۰/۶۴۳ به ۰/۸۱۰ افزایش یافته که افزایشی ۲۶ درصدی داشته است. جدول ۶ پیشرفت مالزی را در هریک از شاخص‌های توسعه انسانی نشان می‌دهد. مرور جدول مربوط به وضعیت مالزی نشان از پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی در این کشور دارد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۵/۳ سال، میانگین سال‌های تحصیل تا ۳/۸ سال، و سال‌های مورد انتظار تحصیل تا ۳/۹ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه نیز تا حدود ۱۷۷/۳ درصد طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

جدول ۶. شاخص‌های توسعه انسانی در مالزی

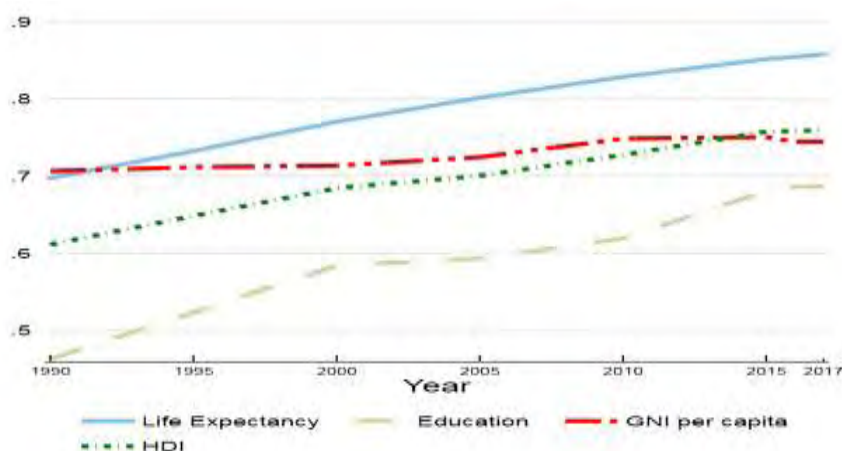
سال	امید به زندگی در بدو تولد	سال‌های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال‌های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۷)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۷۰/۹	۹/۷	۶/۵	۹۹۲۸	۰/۶۴۳
۱۹۹۵	۷۱/۸	۱۰/۲	۷/۶	۱۳۶۵۹	۰/۶۸۲
۲۰۰۰	۷۲/۶	۱۱/۹	۸/۶	۱۴۷۰۰	۰/۷۲۳
۲۰۰۵	۷۳/۶	۱۲/۷	۷/۶	۱۷۳۲۵	۰/۸۳۰
۲۰۱۰	۷۴/۵	۱۳	۹/۸	۱۹۸۸۱	۰/۸۷۲
۲۰۱۵	۷۵/۵	۱۳/۵	۱۰/۲	۲۴۱۱۸	۰/۷۹۶
۲۰۱۶	۷۵/۶	۱۳/۷	۱۰/۲	۲۴۸۴۶	۰/۸۰۰
۲۰۱۷	۷۵/۸	۱۳/۹	۱۰/۲	۲۵۸۹۷	۰/۸۰۵
۲۰۱۸	۷۶	۱۳/۷	۱۰/۲	۲۶۵۵۷	۰/۸۰۵
۲۰۱۹	۷۶/۲	۱۳/۷	۱۰/۴	۲۷۵۳۴	۰/۸۱۰

Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۳ سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی مالزی از سال ۱۹۹۰ تاکنون را

نشان می‌دهد.

نمودار ۳. مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در مالزی (۱۹۹۰-۲۰۱۷)



Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

در سال ۲۰۱۹، شاخص توسعه انسانی مالزی ۰/۸۱۰ یعنی زیر میانگین ۰/۸۹۸ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا، و بالای میانگین ۰/۷۴۷ برای کشورهای شرق آسیا است. از کشورهای شرق آسیا، مالزی قابل مقایسه با فیلیپین و تایلند است که به ترتیب رتبه‌بندی شاخص‌ها را با رتبه ۱۰۷ و ۷۹ دارا می‌باشند (جدول ۷).

جدول ۷. توسعه انسانی در مالزی و دیگر کشورها (۲۰۱۹)

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال‌های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال‌های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید دلار ۲۰۱۷)
مالزی	۰/۸۱۰	۶۲	۷۶/۲	۱۳/۷	۱۰/۴	۲۷۵۳۴
فیلیپین	۰/۷۱۸	۱۰۷	۷۱/۲	۱۳/۱	۹/۴	۹۷۷۸
تایلند	۰/۷۷۷	۷۹	۷۷/۲	۱۵	۷/۹	۱۷۷۸۱
کشورهای شرق آسیا و پاسیفیک	۰/۷۴۷	-	۷۵/۴	۱۳/۶	۸/۱	۱۴۷۱۰
کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۸۹۸	-	۷۹/۶	۱۶/۳	۱۲/۲	۴۴۵۶۶

Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

برای زنان مالزی، ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹، ۰/۷۹۷ در مقایسه با ۰/۸۲۱ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۹۷۲ درصد می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای فیلیپین و تایلند به ترتیب ۱/۰۰۷ و ۱/۰۰۸ درصد هستند (جدول ۸).

جدول ۸. توسعه جنسیت در کره جنوبی و دیگر کشورها (۲۰۱۹)

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال‌های مورد انتظار تحصیل		میانگین سال‌های تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
مالزی	۷۸/۳	۷۴/۲	۱۴	۱۳/۳	۱۰/۳	۱۰/۵	۲۰۸۲۵	۳۳۸۷۷	۰/۷۹۷	۰/۸۲۱	۰/۹۷۲
فیلیپین	۷۵/۵	۶۷/۳	۱۳/۵	۱۲/۸	۹/۶	۹/۲	۷۸۴۳	۱۱۶۹۴	۰/۷۲۰	۰/۷۱۵	۱/۰۰۷
تایلند	۸۰/۹	۷۳/۵	۱۵/۸	۱۴/۷	۷/۷	۸/۲	۱۵۹۲۴	۱۹۷۳۷	۰/۷۸۲	۰/۷۷۶	۱/۰۰۸
شرق آسیا و پاسیفیک	۷۸	۷۳/۱	۱۳/۷	۱۳/۶	۷/۷	۸/۴	۱۱۴۸۵	۱۷۸۲۷	۰/۸۳۱	۰/۷۶۰	۰/۹۶۱
کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا	۸۲/۴	۷۶/۸	۱۶/۶	۱۶	۱۲	۱۲/۲	۳۳۶۶۱	۵۵۷۲۰	۰/۸۸۶	۰/۹۰۳	۰/۹۸۱

Human Development Report, 2020: 220.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی مالزی، ۰/۲۵۳ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۵۹ می‌باشد. در مالزی ۱۵/۵ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۷۲/۲ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۶/۵ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰ هزار تولد زنده، ۲۹ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۱۳/۴ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۵۰/۷ درصد در مقایسه با ۷۷/۱ درصد مردان است. در مقایسه، فیلیپین و تایلند در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۰۴ و ۸۰ قرار دارند. برای بررسی مقایسه‌ای این شاخص در مالزی و برخی کشورهای

منتخب به جدول ۹ مراجعه کنید.

جدول ۹. نابرابری جنسیتی در مالزی و دیگر کشورها (۲۰۱۹)

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی‌های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
مالزی	۰/۲۵۳	۵۹	۲۹	۱۳/۴	۱۵/۵	۷۲/۲	۷۶/۵	۵۰/۷	۷۷/۱
فیلیپین	۰/۴۳۰	۱۰۴	۱۲۱	۵۴/۲	۲۸	۷۵/۶	۷۲/۴	۴۶/۱	۷۳/۳
تایلند	۰/۳۵۹	۸۰	۳۷	۴۴/۹	۱۴/۱	۴۳/۵	۴۸/۶	۵۹/۲	۷۶/۵
شرق آسیا و پاسیفیک	۰/۳۲۴	-	۷۳/۱	۲۲/۱	۲۰/۲	۶۹/۴	۷۶/۵	۵۹/۲	۷۶/۵
شاخص توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۱۷۳	-	۱۴/۲	۱۷/۲	۲۸/۳	۸۶/۵	۸۸/۶	۵۲/۳	۶۹/۱

Human Development Report, 2020: 224.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همچنان که اشاره شد، توسعه‌ی اقتصادی فرآیندی چند بُعدی است که در اثر تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد، که هم جنبه‌ی عینی و مادی و هم جنبه‌ی ذهنی زندگی افراد را در بر می‌گیرد و از طریق ترکیب فرآیندهای مختلف اقتصادی و اجتماعی امکان زندگی بهتر را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند. کشورهای در حال توسعه عموماً به دنبال رسیدن به اهداف مشترکی از قبیل تأمین امکانات اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی، کاهش فقر، کاهش بیکاری و نابرابری، تأمین امکانات بهداشتی، آموزشی و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه و نهایتاً توسعه‌ی انسانی بالاتر هستند مفهوم توسعه‌ی انسانی، اولین بار توسط محبوب‌الحق، کیت گریفین، تری مک‌نلی و آمارتیا سن در سال ۱۹۹۰ مطرح شده است. قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰، درآمد سرانه‌ی هر کشور بعنوان شاخص پیشرفت اجتماعی و توسعه سطح زندگی در نظر گرفته می‌شد. هر چند که درآمد سرانه برای دستیابی به سطح بالاتری از تولید ناخالص

داخلی و رشد رفاه لازم بود، اما، نمی‌توانست بسیاری از جوانب مهم زندگی را در بر گیرد. بنابراین، برنامه‌ی توسعه سازمان ملل، درآمد سرانه را بعنوان مقیاس ناکافی برای ارزیابی اثرات آن بر کیفیت زندگی افراد عنوان کرد و تأکید نمود که تنها رشد اقتصادی مهم نیست، بلکه کیفیت توزیع و پایداری این رشد هم حائز اهمیت است. بنابراین، شاخصی بعنوان شاخص توسعه‌ی انسانی بعنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه معرفی شد که دامنه‌ی بیشتری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در کنار بُعد اقتصادی در برمی‌گیرد. این شاخص در سال ۱۹۹۰ بعنوان مقیاس جدیدی از توسعه معرفی شد.

در چارچوب نظریه توسعه‌ی انسانی، تأکید بر ایجاد ظرفیت‌ها به جای مصرف کالاها و خدمات، شرایط گسترش پایدار انتخاب‌های انسانی را فراهم می‌آورد، چرا که ظرفیت‌سازی امکان بازتولید مداوم کالاها و خدماتی را ایجاد می‌کند که پاسخگوی نیازهای یک زندگی بهتر است. توسعه، مفهومی متفاوت یا پیچیده‌تر است که لزوماً به کیفیت زندگی انسان نیز مربوط می‌شود. از همین روی در سال‌های اخیر شاخص‌های جدیدتری برای در برگرفتن جنبه‌های پیچیده توسعه انسانی و رفاه انسان‌ها در نظر گرفته شده است.

عده‌ای ممکن است توسعه‌ی انسانی را مترادف با تأمین «نیازهای اساسی» پندارند. درحالی‌که دایره‌ی مفهومی توسعه‌ی انسانی فراتر از تأمین نیازهای اساسی است. رویکرد نیازهای اساسی تمرکز اصلی خود را به رفع بیکاری، فقر و حصول رشد اقتصادی معطوف می‌کند. رویکرد توسعه انسانی وسیع‌تر از رویکرد نیازهای اساسی است. همچنین این رویکرد مسائلی فراتر از بخش‌های اجتماعی و درآمدی را در بر می‌گیرد؛ مسائلی نظیر محیط‌زیست، آزادی و مشارکت در دولت، حقوق انسانی، رفع تبعیض جنسی، مسئولیت‌پذیری و امکان اعتراض به عملکرد دولت. این به معنای گسترش دادن امکان انتخاب‌های شهروندان است. پس توسعه به فرآیندی گفته می‌شود که در آن، جامعه از وضعی نامطلوب به وضعی مطلوب تحول می‌یابد. به عبارت دیگر، در فرآیند توسعه، استعدادهای جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی بارور و شکوفا می‌شود.

شکل دادن به قابلیت‌های انسانی از قبیل آزادی‌های سیاسی و مدنی، وضعیت آموزش، بهداشت و قدرت اقتصادی باید به عنوان هدف اصلی جوامع توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گیرد. بر اساس چنین نگرشی، مردم ثروت اصلی جوامع خواهند بود و هدف توسعه، فراهم کردن شرایط

زندگی بهتر همراه با امنیت بیشتر می‌باشد. توجه به چالش‌های پیش‌روی انسان‌ها، مستلزم این است که مردم در کانون توسعه قرار گیرند. رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی‌سوادی، و محرومیت، از جمله راه‌های گسترش قابلیت‌ها و انتخاب‌های انسانی می‌باشند و به این خاطر است که در سنجش توسعه‌ی انسانی بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است.

همچنان که اشاره شد، ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۹، در وضعیت توسعه انسانی شیب صعودی داشته، و جایگاهش تا رتبه ۷۰ ارتقاء یافته، که بیشتر متکی به افزایش امید به زندگی و طول سال‌های عمر (گسترش بهداشت) و گسترش آموزش عمومی و دانشگاهی بوده است. در این مدت اما وضعیت درآمد سرانه رشد مناسبی نداشته است. یعنی کشور در زمینه خلق ثروت و افزایش درآمد سرانه عملکرد مناسبی نداشته، و افزایش پدید آمده در شاخص درآمد سرانه، بیشتر ناشی از افزایش درآمدهای نفتی بوده است و نه خلق ثروت در فضای کسب و کار و تولید ملی. به همین دلیل، با بالا رفتن قیمت نفت و بهبود فروش آن در بازار جهانی، وضع ایران بهتر شده، و با پایین آمدن قیمت نفت و یا کاهش سهم بازار ایران یا کاهش تولید، وضع ایران تنزل داشته است.

وضعیت جهانی ایران در شاخص توسعه انسانی به این شرح می‌باشد: نمره ایران در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)، زیر ۰/۵۰۵، یعنی در دسته کشورهای با توسعه انسانی پایین بوده است. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴)، به رده کشورهای با توسعه انسانی متوسط می‌پیوندد. هر چند که در مرز کشورهای با توسعه انسانی پایین قرار دارد (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۲، ۹۴). ایران در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، نمره ۰/۵۹ را کسب، و جایگاه متوسط را حفظ کرد اما رتبه جهانی آن معلوم نیست. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) نمره ایران در شاخص‌های توسعه انسانی نزول کرد و از رده کشورهای متوسط به رده کشورهای با توسعه انسانی پایین سقوط کرد. اما در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)، ایران به رده کشورهای متوسط برگشت و با نمره ۰/۵۶۷ به رتبه ۱۰۸ دست یافت. از سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)، تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) یعنی ۱۰ سال، ایران ۱۰ پله صعود کرد و به رتبه ۹۴ رسید. ایران، اولین بار در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با نمره ۰/۷۴۳ و رتبه ۸۷، به جرگه کشورهای با توسعه انسانی بالا پیوست و رتبه آن نسبت به سال ۲۰۰۵، یعنی در عرض ۵ سال، ۷ پله صعود کرد. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، ایران رشد خود را ادامه داد و ۱۲ پله صعود کرد. در سال ۲۰۱۵ جایگاه ایران باز هم بهبود یافت و از رتبه ۷۵ به رتبه ۶۹ ارتقاء پیدا کرد و به نمره ۰/۷۶۶ دست پیدا کرد. در سال ۲۰۱۹ بر اساس گزارش ۲۰۲۰، ایران توانست با کسب نمره امتیاز ۰/۷۸۳، به رتبه ۷۰ ارتقاء یابد که کم‌کم به مرز

کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا (نمره ۰/۸ به بالا) نزدیک می‌شود.

از جمله مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی، سطح بهداشت است که با معیار امید به زندگی سنجیده می‌شود. شاخص امید به زندگی برای ایران ۷۶/۲ سال عنوان شده است که با کشورهای پیشرو در این حوزه، حدود ۱۰ سال فاصله دارد. همچنین، نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال به بالا برای ایران ۸۵ درصد است. درآمد سرانه ملی ایران، معادل ۱۹/۱۳۰ دلار محاسبه شده است. درآمد سرانه نروژ (رتبه نخست توسعه انسانی)، ۶۸/۰۱۲ دلار است و قطر با درآمد سرانه ۱۱۶/۸۱۶ بالاترین رتبه را در مؤلفه درآمد سرانه داراست.

بنابراین بیشترین بهبود در وضعیت شاخص امید به زندگی و پس از آن در وضعیت آموزش رخ داده است. اما بدترین وضعیت در بین مؤلفه‌های توسعه انسانی، متعلق به «درآمد ملی ناخالص سرانه» است. وضعیت نامناسب ایران در درآمد سرانه، نقطه ضعف ایران در توسعه است و می‌تواند بر جایگاه ایران در منطقه اثر منفی جدی بر جای بگذارد.

یکی از ابعاد بررسی شاخص توسعه انسانی بر حسب برابری جنسیتی است. این که مردان و زنان از حیث این شاخص چه تفاوتی دارند، بسیار مهم است. در ایران طول عمر یا امید به زندگی زنان به طور متوسط حدود ۲ تا ۳ سال بیشتر از مردان است و در زمینه آموزش و تحصیلات نیز شرایط آنان مساوی و حتی به نفع زنان است؛ ولی در زمینه درآمد و شغل شکاف زیادی وجود دارد و این وضعیت ناپایدار خواهد بود.

ارزش شاخص توسعه انسانی کشور مالزی برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۱۰ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۶۲ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. این رتبه به طور مشترک با کاستاریکا است. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی مالزی از ۰/۶۴۳ به ۰/۸۱۰ افزایش یافته که افزایشی ۲۶ درصدی داشته است. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۵/۳ سال، میانگین سالهای تحصیل تا ۳/۸ سال، و سال‌های مورد انتظار تحصیل تا ۳/۹ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه نروژ نیز تا حدود ۱۷۷/۳ درصد طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

شاخص توسعه انسانی مالزی در سال ۲۰۱۹، ۰/۸۱۰ یعنی زیر میانگین ۰/۸۹۸ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا، و بالای میانگین ۰/۷۴۷ برای کشورهای شرق آسیا است. از کشورهای شرق آسیا، مالزی قابل مقایسه با فیلیپین و تایلند است که به ترتیب رتبه‌بندی شاخص‌ها

را با رتبه ۱۰۷ و ۷۹ دارا می‌باشند.

ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان مالزی ۰/۷۹۷ در مقایسه با ۰/۸۲۱ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۹۷۲ درصد می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای فیلیپین و تایلند به ترتیب ۱/۰۰۷ و ۱/۰۰۸ درصد هستند.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی مالزی، ۰/۲۵۳ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۵۹ می‌باشد. در مالزی ۱۵/۵ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۷۲/۲ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۶/۵ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰ هزار تولد زنده، ۲۹ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۱۳/۴ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۵۰/۷ درصد در مقایسه با ۷۷/۱ درصد مردان است.

رویه‌مرفته همچنان که در بخش‌های مختلف بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی نشان داده شد، وجه تمایز دو کشور ایران (رتبه ۷۰) و مالزی (رتبه ۶۳) در سال ۲۰۲۰، در شاخص‌های جمعیت و درآمد ملی سرانه است که بر تفاوت رتبه دو کشور تأثیر گذاشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- امیری، نعمت‌الله (۱۳۹۰). روش محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی، بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۲.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- خواجه پور، غلامرضا (۱۳۷۶). استراتژی توسعه‌ی انسانی، تعاون، ۱۱(۶۷)، ۵۵-۵۰.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
- شیرزادی رضا (۱۳۹۹). نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها، تهران: آگه.
- شیرزادی، رضا (۱۳۸۹). دولت و توسعه سیاسی در مالزی، مطالعات سیاسی، ۳(۹)، ۱۷۹-۱۵۳.
- قاضیان، حسین (۱۳۷۱). درباره تعریف توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۷(۳ و ۴)، آذر و دی.
- گریفین، کیت و نایت، جان (۱۳۷۶). توسعه انسانی: تاکید مجدد، ترجمه علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، برنامه و بودجه، (۱۹ و ۲۰).
- گریفین، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۵). تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- لفت‌ویج آدریان (۱۳۸۵). دموکراسی و توسعه، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- محمودی، وحید (۱۳۸۷). رابطه‌ی رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۵۱-۲۵۲.

Evans, Peter B. (1995), *Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation*, Princeton University Press.

Evans Peter & James Rauch (1999), "Bureaucracy and Growth: A Gross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on Economic Growth", *American Sociological Review*, V.64, N.5, (October 1999).

UNDP (2020). *Human Development Report 2020: The next frontier: Human development and the Anthropocenes*, New York.

Peter Evans and Rauch James, *Bureaucracy and Growth: A Gross – National analysis of the Effects of Weberian state Structures on Economic Growth*, *American Sociological Review* 64(5), (october 1999).

<https://www.isna.ir/news/99092619960>